

OCTOBER

اکتبر ۳۹

۴ خرداد ۱۳۸۴ ۲۵ مه ۲۰۰۵

نشریه کمیته  
کردستان حزب  
کمونیست کارگری  
ایران - حکمتیست

## کارگران و انقلاب (منصور حکمت)



کارگران و انقلاب نوشته ای است از منصور حکمت که برای اولین بار در نشریه کمونیست شماره ۵۳ در مورخ شهریور ماه ۱۳۶۸ چاپ و منتشر شد.  
باتوجه به اهمیت موضوع که اکنون به مسله انقلاب کارگری از طرفی از جانب راست زیر تیتر خشونت طلبی حمله میکنند و از طرف دیگر جریانات چپ غیر اجتماعی در سنگر "انقلاب، انقلاب" خاک به چشم طبقه کارگر حول و حوش مسله انقلاب کمونیستی و کارگری میباشند، ما چاپ مجدد این نوشته را به مناسبت نزدیک شدن هفته منصور حکمت جهت ارجاع مجدد ضروری تشخیص دادیم.  
اکتبر

ناگهانی و بطور غیرمسالمت آمیز تغییر بدهد از انقلاب حرف میزند و خودش را انقلابی مینامد. خیلی از این انقلابات چیزی بیشتر از ارتجاع صرف نیستند. نمونه انقلاب اسلامی زنده و حی و حاضر جلوی چشم ماست. عقب مانده ترین خرافات و مشقت بارترین اوضاع را انقلاب نام گذاشته اند. مرتجع ترین و کثیف ترین عناصر نام انقلابی بر خود نهاده اند. کارگر کمونیست پیگیرترین دشمن چنین انقلابات و انقلابیون دروغینی است.  
برخی دیگر از انقلابات چیزی

کارگران کمونیست خواهان انقلابند. اما کدام انقلاب؟ طبقات مختلف و گرایشات سیاسی و اجتماعی مختلف انقلاب را به معانی بسیار متفاوتی بکار میبرند. دنیای ما همه نوع انقلاب و همه نوع انقلابی ای بخود دیده است. تقریبا هر کس و هر جریانی که میخواهد وضع موجود در جامعه را بشیوه ای

مضمون اصلی بسیاری از تحولاتی بوده است که در کشورهای مختلف تحت عنوان انقلاب صورت گرفته است. در همه این موارد بنیاد مناسبات موجود در جامعه و کل نظامی

فراتر از اصلاحات محدود در وضع موجود نیستند. خلاصی از استبداد، کسب استقلال اقتصادی، برنامه ریزی و بهبود سطح تولید، توزیع به اصطلاح عادلانه تر ثروت و غیره

به مناسبت هفته منصور حکمت منتشر میشود!

### منتخب آثار منصور حکمت

در ۱۸۰۰ صفحه شامل اسناد، سخنرانیها و نوشته های منتشر نشده

ادیتور ایرج فرزاد

قیمت پیش فروش ۲۰ پوند استرلینگ

برای پیش خرید به میزهای کتاب حزب مراجعه کنید یا مستقیما با ما تماس بگیرید.

حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

مصاحبه اکتبر با رحمان حسین زاده:

### روز "انتخابات"، روز اعتراضات قدرتمند علیه جمهوری اسلامی!



رحمان حسین زاده

تحلیل کرده است. وقتی که مردم ایران قیام کردند و نظام سلطنتی را به زیر کشیدند، انتخابشان آزادی، رفاه، سعادت و پایان استبداد و زندان و کشتار و اعدام و شکنجه و تامین زندگی شایسته انسان بود. جمهوری اسلامی از همان اوایل شروع کرد و این توقعات و انتخابات مردم را سرکوب کرد. همه

مصاحبه های دیگری هم توضیح داده شده است. تاکیدات شما در برخورد به این انتخابات چیست؟

رحمان حسین زاده:

مابارها توضیح داده ایم که در جمهوری اسلامی انتخاباتی در کار نیست. هیچوقت مجال انتخابی به مردم داده نشده است. بر عکس این رژیم با سرکوب انتخاباتهای مردم خود را

اکتبر: نمایش انتخابات ریاست جمهوری اسلامی در پیش است. موضع و سیاست حزب حکمتیست در نوشته ها و

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
www.hekmatist.com

هر "انتخابات" دولتی

با وجود حکومت اسلامی مردود است!

انتخابات ما بعد از سرنگونی رژیم است!

انتخابات ما بعد از قیام است!

زنده باد آزادی و برابری!

زنده باد سوسیالیسم!



### در صفحات دیگر

محمد فتاحی  
ابراهیم باتمانی  
محمد جعفری

در باره نشریه و سایت کازیه  
بساط "انتخابات" رژیم اسلامی را روی سرشان خراب کنیم  
در بزرگداشت منصور حکمت  
اطلاعیه ها

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

کاندیدای جمهوری اسلامی ارائه کرده اند. اینها در بیانیه شان بخشی از مطالب سستی ناسیونالیسم کرد و حزب دمکرات را با فرمولبندیهای خودشان به وسط کشیده اند. آیا میخواهند به لحاظ سیاسی اجتماعی زیر پای حزب دمکرات را خالی کنند؟ یا اینکه اینها بخش وسیعتری از جنبش ناسیونالیستی کرد هستند؟

### رحمان حسین زاده:

اینها در اصل جزو پیکره جمهوری اسلامی هستند. با جمهوری اسلامی به صحنه آمدند و با جمهوری اسلامی هم باید بروند. هیچ بیانیه و پلانقرمی به دانشان نمیرسد. اینها بو برده اند رژیمشان سرنگون میشود. دارند آینده نگری میکنند و نزد خود کوتاه بینانه محاسبه گری نموده چون "کردند" و محل تولدشان کردستان، پس برای نجات خود میشود اسلامیت را تعدیل و یا به عرصه "گردایه تی اسلامی" گذاشت. میدانند بسیاری از احزاب ناسیونالیست کرد همین ترکیب ملی اسلامی را دارند. در راس این احزاب ملا و شیخ سیاست گذارند و تاریخا هم ناسیونالیسم کرد به اسلام و مذهب متکی بوده است. در بسیاری مقاطع این دو جنبش به یاری هم شتافته و در کنار هم بوده اند. در نتیجه اینها دنبال تطابق دادن خود با ناسیونالیسم کرد هستند. به این معنا تقویت کننده ارتجاع ناسیونالیستی و حزب دمکرات خواهند بود نه تضعیف کننده آن. به این اعتبار اینها میتوانند در جنبش ناسیونالیستی کرد ادغام شده و بخشی از آن بصباب آیند. یعنی معارله دو طرفه ایست که به سمت هم حرکت میکنند و در کنار هم قرار میگیرند. اینجا متوجه میشویم که ناسیونالیسم چه ظرفیت بالایی برای همدستی با ارتجاع مذهبی و مهره های جمهوری اسلامی دارد و این را باید جدی گرفت.

این محاسبات البته کوتاه بینانه و ابلهانه است. چون صحنه سیاست کردستان را فقط این دو طرف تعیین نمیکند. چپ و راست را دیکالیسم و کمونیسم قوی و حضور قدرتمند حزب حکمتیست تعیین کننده بسیاری معادلات این جامعه خواهد بود. نمیگاریم تحت نام "گردایه تی" و تازه از نوع اسلام کلدایه تی" مهره های جمهوری اسلامی لباس عوض کنند و بار دیگر و در قالب دیگر علیه مردم صفحه ۴

مهره های چندین ساله جمهوری اسلامی در دم و دستگاه مختلف جمهوری اسلامی بوده اند و ما و مردم هم به همین عنوان به آنها برخورد میکنیم. در شرایطی که اکبر گنجی در انتخابات شرکت نمیکند و جبهه مشارکت تهدید به تحریم میکند، اینها همچون کاسه داغتر از آش از مدتها قبل راه افتاده اند و برای این مضحکه بازار گرمی میکنند. نفس همین حرکت آنها درجه تعلق و حلقه بگوشی آنها را به جمهوری اسلامی میروساند. ما و مردم دست آنها را خواندیم. یک فرصت طلبی رسوا شده و دو وجهه در این حرکت آنها موجود است. اینها متوجه اند که مردم کردستان در انتخابات شرکت نمیکند. نه تنها این بلکه ما و مردم تضمین میکنیم حرکتهای اعتراضی علیه انتخابات شکل بگیرد. خیال میکنند در این فضا و با "کرد کرد" کرین و چهره طلبکار به این خود گرفتن میتوانند بر آرام کردن فضا تاثیر بگذارند. خیال میکنند میتوانند عده ای را به پای صندوق رای بکشند و به عنوان وجه اول کارشان میخواهند به عنوان حق الزحمه این خدمت به جمهوری اسلامی نزد کاندیداها و جمهوری اسلامی امتیازاتی دست و پا کنند. وجه دوم کارشان اینست اگر امتیازات دولتی را به چنگ نیاورند. با همین در قومگیری و عرق ملی نزد احزاب ناسیونالیست جایی و صندلی برای آینده خود دست و پا کنند. میدانند احزاب ناسیونالیست ظرفیت پذیرش مزدوران گذشته را دارند. این را در مقطع سرنگونی رژیم شاه از حزب دمکرات دیده اند. در همین دوره می بیند صفوف احزاب ناسیونالیست کرد عراق پر از باغی های سابق است. محاسبات آنها هر چه باشد اقدام اینها کمک به پروژه اجرای مضحکه انتخاباتی جمهوری اسلامی در کردستان است، و به همین اعتبار در این ماجرا باید رسوا شوند. این مورد از خدمت آنها به جمهوری اسلامی لازمست به پرونده سیاه مزدوری تاکتونی آنها اضافه شود. با سرنگونی جمهوری اسلامی به همراه دیگر مهره های جمهوری اسلامی باید پاسخگو باشند.

### اکتبر:

همین "اصلاح طلبان کرد" در نشست اخیرشان در بوکان بیانیه 15 ماده ای را به عنوان شروط حمایت از

### اکتبر:

کرد" در نشست اخیرشان در بوکان بیانیه 15 ماده ای را به عنوان شروط حمایت از

جمهوری اسلامی و سوق دادن آن به طرف سرنگونی بودند. در شرایط و اوضاع 8 سال قبل مردم پراگماتیست فکر کردند، از شکافهای بالای جمهوری اسلامی باید به نفع تضعیف کلیت جمهوری اسلامی استفاده کرده اند، و با رای دادن به خاتمی و کنار زدن ناطق نوری به عنوان سمبل و چهره شاخص تر جمهوری اسلامی اینکار را کردند. الان مردم شرایط متفاوت با آن دوران را متوجه هستند. مجبور به انتخاب بین "بد یا بدتر" نیستند. انتخاب اینبار مردم سر راست خواست دلشان یعنی سرنگونی جمهوری اسلامی است. و در موقعیت مساعدتر کنونی همان مردم تضعیف جمهوری اسلامی و سرنگونی آن را میخواهند و متوجه هستند، اتفاقا با شرکت نکردن در انتخابات و سازمان دادن اعتراض میتوانند به این هدف خود برسند.

### اکتبر:

اعوان و انصار جبهه شکست خورده 2 خرداد تحت عنوان "اصلاح طلبان کرد" در کردستان در رابطه با انتخابات جست و خیزهایی دارند. نشستهای متفاوتی را به عنوان "هم اندیشی اصلاح طلبان کرد استانهای غرب کشور" برگزار کرده اند. در این نشستها بر "هویت قومی، مذهبی مردم کرد زبان تاکید کرده اند. هدف اصلی اینها چیست؟

### رحمان حسین زاده :

قبل از جواب سؤال، دوست داشتیم در مورد این اسمی که تعدادی از همکاران چندین ساله جمهوری اسلامی به سرکردگی رمضانزاده سخنگوی دولت بر خود گذاشته اند، اظهار نظر کنم. "اصلاح طلبان کرد" یعنی چی؟ منظورشان اصلاح طلبی دولتی است که زمانی در رکاب "سید خندان بزرگوارشان" به دنبال آن بودند؟! صرفنظر از اینکه این ادعا آنزمان هم پوچ بود. الان به اذعان همه و شخص سید خاتمی این عوامفریبی شکست خورده است. منظور "اصلاح طلبی" غیر دولتی بازماندگان متفرق و بازنده 2 خرداد است؟ مگر اثری از این ریاکاری باقی مانده است؟! اینکه طبق سیاست نان به نرخ روز خوردن است که غلظت اسلامی را به نفع ناسیونالیسم کرد تعدیل داده اند، و لقمه ارتجاعی مذهبی ملی کرد علم کرده را نمیشود با اسم گذاری اختیاری به فروش برسانند. این جماعت همکاران و

از میان بد و بدتر یکی را انتخاب کنند. شرایط و اوضاع و احوال را چگونه میبینید؟ انتخابات ایندوره با شرایط خرداد 76 چه وجه تشابه و تناقضی دارد؟

### رحمان حسین زاده :

به نظرم سران جمهوری اسلامی کور خوانده اند. دوران بازار گرمی حتی در میان صفوف خودشان و جناحهایشان هم به اتمام رسیده است. رفسنجانی با هر شعار و پلانقرمی هم آمده باشد، منفرتر و سوخته تر از آن است که مردم توجهی به آن داشته باشند. او آخرین بار در انتخابات مجلس ششم خود را به رای مردم گذاشت. میتوانند رفسنجانی یا هر فر دیگر را از صندوق بیرون بکشند، اما نمیتوانند آن را به نام انتخاب به مردم قالب کنند. در شرایط 6 سال پیش مردم تودهنی بزرگی به رفسنجانی و رژیمش زدند. طبعاً جمهوری اسلامی با محاسباتی دوباره او را به جلو صحنه رانده است. اما

محاسبات جمهوری اسلامی و مردم 180 درجه در مقابل همدیگرند. عادی شدن رابطه جمهوری اسلامی با آمریکا و غرب، حتما جزو محاسبات جمهوری اسلامی و حتی بخشی از اپوزیسیون راست ایران است. اما صورت مسئله ما و مردم آزادخواه و منتفر از اسلام و جمهوری اسلامی نیست. مردم جمهوری اسلامی را با عادی شدن و بی عادی شدن رابطه با غرب نمیخواهند. انتخابات بی انتخابات، مانور شورای نگهبان و خامنه ای و به صحنه بازگشتن معین هم هم جزو صورت مسئله ما و مردم نیست. چه هزار نفر کاندید باشند و چه 6 نفر و یا 8 نفر بالاتر اشاره کردم در جمهوری اسلامی انتخابات معنی ندارد. شاید جناحهایی از خود رژیم و امثال نهضت آزادی و غیره ابلهانه به این مانورها دلخوش کرده باشند. اما از نظر جنبش آزادخواهانه، جمهوری اسلامی و انتخاباتش مردودند. جمهوری اسلامی باید برود و این حکم هر روزه اعتراض و مبارزاتی است که در خیابان و دانشگاه و مدرسه و محله و کارخانه در جریان است.

این مهمترین فاکتور شرایط و اوضاع و احوال امروز ایران است. در مقایسه با انتخابات سال 76 باید اشاره کنم اساسی ترین وجه اشتراک اینست مردم در هر دو دوره دنبال تضعیف

شاهدیم در طول ۲۶ سال حاکمیت سیاه، ایران را به زندان بزرگی علیه مردم آن تبدیل کرد. از همان اولین نمایش "رفراندم آری یا نه" نظام تا دیگر نمایشات انتخاباتی مجلس اسلامی و ریاست جمهوری تا این دوره معلوم بوده و هست که رای مردم و انتخاب توسط مردم پیشی نزد اینها ارزش ندارد. به همین دلیل خوشبختانه همیشه جریان ما روشن و شفاف گفته ایم این مضحکه های انتخاباتی را باید رسوا و افشا کرد. در آن شرکت نکرد و در مقابل آن ایستاد.

سران جمهوری اسلامی خوب میدانند انتخاب واقعی مردم کنار رفتن جمهوری اسلامی و پایان حاکمیت آن است. حتی اگر حاضر باشند انتخاباتی در چارچوب شناخته شده در کشورهای اروپایی و حتی شبیه به ترکیه برگزار شود، بی تردید "پایان کار جمهوری اسلامی" بیشترین رای را

میآورد. درنتیجه در ایندوره هم ادعای انتخابات پوچ است. خوشبختانه این دوره معلوم است وسیعاً مردم شرکت نمیکند. حتی این را به فال نیک باید گرفت بسیاری از گروههای سیاسی که همیشه پادوی مضحکه های انتخاباتی جمهوری اسلامی بودند. در انتخابات شرکت نمیکند. البته که اینها رادیکالتر نشده اند، بلکه اوضاع به نفع مبارزه و سرنگونی مردم چنان چرخیده است که میدانند شرکت در این مضحکه زیادی برایشان آبروریزی است. ما فکر میکنیم فقط تحریم کافی نیست. مناسبت "انتخابات" و روز "انتخابات" را باید به مناسبت و روز اعتراض تبدیل کرد. انتخابات را بر سرشان باید خراب کرد.

### اکتبر:

برای بازار گرمی در آخرین لحظات، رفسنجانی خود را کاندید کرد. سپس شورای نگهبان فقط 6 نفر و از جمله رفسنجانی را تایید کرد. خلیها به امید اینکه رابطه را با آمریکا و غرب عادی کند او را لانسه میکنند. خامنه ای از در دیگر وارد شده و خواستار تجدید نظر شورای نگهبان در مورد صلاحیت مصطفی معین و یکی دیگر از کاندیداها شد و شورای نگهبان مجبور به عقب نشینی شد. آیا با این مانورها میخواهند مردم را مجبور کنند

## در بزرگداشت منصور حکمت



محمد جعفری

مقابل تمام تاریکی های هستی. امیدی بود به پیروزی و پیروز بیرون آمد در مقابل هر معضل پیچیده بر سر راه مبارزه. با او بی (OK) وجود او و تأیید تردید می شدم. تکیه گاه عظیمی بود که در کنارش پیچیده ترین و معضل ترین موضوع، کوچک و ناچیز بنظر برسد و احساس ضعف در مقابل هیچ پدیده ای (ولو بغرض) نمی کردم. از آن زمان تا روز مرگش، از مرگ او می ترسیدم. تا بالاخره در روز چهارم ماه ژوئن سال ۲۰۰۲ کابوسی که همیشه از آن می ترسیدم رخ داد! شخصی که سرطان سرمایه داری و جمهوری اسلامی بود، خود توسط سرطان از بین رفت! دلیل بزرگی منصور حکمت روشن است. انسان در زندگی مسائل و معضلاتی خواهد داشت. موضوعات مهم و پیچیده برایش پیش می آید. کسانی سر چشمه اصلی در جواب دادن به آن معضلات می شوند. من صفحه ۶

از زمان آشنائی کومه له با اتحاد مبارزان کمونیست در سال ۱۳۵۹ و بخصوص بعد از تشکیل حزب کمونیست ایران در ۱۳۶۲ مهمترین شخصیت زنده کمونیست دنیا از نظر تئوری و مندولوژی برای من، منصور حکمت بود و تا اکنون هم هست. جمهوری اسلامی همیشه می کوشید رهبران بزرگ کمونیست را ترور کند و من همیشه از این مسئله خیلی می ترسیدم. از این رو هر وقت رفقا می گفتند خبری مهم دارند پیش خودم می گفتم فقط خبر ناگوار در مورد ترور منصور حکمت نباشد هر چه هست باشد. برای من او معمار تغیر دنیا و همه دنیا بود! نظرم این بود و هست که با کمک منصور حکمت راه برای غلبه بر هر مشکلی پیدا می شود. چون وجود (و مدت) منصور حکمت چراغی بود در

## بساط "انتخابات" رژیم اسلامی را روی سرشان خراب کنیم!

پوستر های انتخاباتیشان را پاره کنیم. اجازه ندهیم که بساط انتخاباتیشان را به محلات به کشانند. در هر جا که می خواهند دروغ تحویل مردم به دهند حضور پیدا کنیم و آنها را افشا کنیم. از هر فرصتی برای بیان خواسته های مردم استفاده کنیم. شرایط برای گسترش این اعتراضات وجود دارد. باید از همین الان دست به کار شد. دست تمام کسانی که می خواهند جلوی برگزاری این مضحکه و این نمایش توهین به شعور مردم را بگیرند در دست هم بگیریم. محلات و خیابانها را با شعارهای مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد آزادی و برابری پر کنیم. اگر به موقع به جنییم می توانیم عقب نشینی های دیگری را به رژیم تحمیل کنیم. در خاتمه از شما می خواهم که با ما حزب کمونیست کارگری حکمتیست تماس بگیرید. ما را در جریان فعالیتهای خودتان قرار دهید تا با یاری همدیگر مشکلات و موانع کارهایمان را بر طرف کنیم.

رژیم خشونت علیه زنان است. این رژیم بی حقوقی اشکار مردم است. این رژیم فقر و فلاکت میلیونی مردم و تباهی روحی و فیزیکی یک جامعه ۷۰ میلیونی است. مردم ایران در اعتراضات هر روزه شان به این جانبداران در طول ۲۶ سال گذشته نه گفته اند. ما انتخاب خود را کرده ایم. این رژیم با کل اعوان و انصارش، کل دستگاه سرکوبش، زندانها و شکنجه گاهایش باید برود. انتخاب ما رفتن جمهوری اسلامی است. انتخابات با وجود جمهوری اسلامی معنی ندارد. وجود یک دولت ارتجاعی، وجود سپاه پاسداران، ارتش، وزارت اطلاعات و دستگاه مذهبی منافی ابتدائی ترین حق انسان برای هر انتخاباتی است. کم ترین کاری که ما می توانیم به کنیم، تحریم این مضحکه است. اما این به تنهایی کافی نیست. باید روزهای قبل از انتخابات و روز انتخابات را به صحنه اعتراض علیه جمهوری اسلامی تبدیل کنیم. اعتراض های جمعی علیه ستادهای انتخاباتیشان سازمان دهیم.



## ابراهیم باتمانی

جمهوری اسلامی خود را برای مضحکه دیگری به اسم انتخاب رئیس جمهوری آماده می کند. در کشوری که آزادی بیان وجود ندارد، در مملکتی که مخالفین سیاسی را محاکمه می کنند، در کشوری که زنان در اسارت و بی حقوقی مطلق بسر میبرند، اطلاق نام انتخابات به این مضحکه، اهانت به مردم ایران است. این انتخابات اعلام اشکار بی حقوقی مردم ایران تحت حاکمیت اسلام سیاسی است. هر نوع کنار آمدن و شرتکی در این مضحکه، پاشیدن خاک به چشم مردم و شرکت در سر پا نگاه داشتن جمهوری اسلامی است. مردم به این مضحکه و رژیم اسلامی نه گفته اند و نه می گویند. این رژیم قتل عام مخالفین سیاسی است. این

## اکتبر میپرسد؟

## در رابطه با نشریه و سایت کازیه

کرد. این کمک میگرد برای پاسخ به تشر این قشر کم نیارم. سالها از ورودم به سیاست گذشت تا به تدریج متوجه شدم که در کمال ناباوری من همان عقب افتادگیهای ده که محصول بقایای فرهنگ فئودالی بود در بازار سیاست، شده باور و عقاید عده ای، نه در ده که در شهر! دیدم همان ناموس ناموسی که مانع لذت امثال من از سکس در دوران جوانی بود حالا شده ایمان احزاب سیاسی و شده وسیله حماقت مردمانی در جامعه!

همان اخلاقیات عقب افتاده ای که در ده "میرزا" های که واپانتول" پوش را محترم تر میدانست حالا شده دکان سیاسی برای تعدادی و همان آداب و رسومی که مانع زندگی راحت من و امثال من در ده بود حالا شده هویت روشنفکرانی با

به دوران نوجوانی و اوایل جوانی ام که هنوز زور انقلاب ۵۷ سیاسی ام نکرده بود. آن دوران همراه خانواده ام در ده زندگی میکردم. برای درس خواندن هم میرفتم شهر چون در ده فقط دوره ابتدائی تدریس می شد. یادم در روستا تیپ عقب افتاده مردم یعنی اطرافیان ملا و مالک ده ایراد میکردند به موهای بلندم به آنامس جویندم به شلوار تنگم به همه چیز و همه چیز میگفتند.... میگفتند موی بلند شبیه دخترها کرده و از این طریق سعی میکردند رگ غیرت بی غیرتم تکان بخورد و حماقت مردانگی آنها نوع دهاتی اش در خونم تزریق شود. زندگی مستقل در شهر دور از خانواده و پدر و مادر میدانی ایجاد کرده بود که به راحتی بتوان به اخلاقیات و فرهنگ و آداب و رسوم کهنه نه فقط در ده که در شهر هم پشت

برایش سردبیر هم تعیین شد. این تقلاها متأسفانه نشریه نشد. از اینها که بگنرم نشریه کازیه یک نیاز شخصی هم بود، اکثر نوشته های من در مورد مسایل کردستان در سالهای اخیر در هیچ نشریه ای به غیر از سایتهای اینترنتی منتشر نشده است، به خودم گفتم به جای فشار آوردن به خودم برای کوتاه نویسی میشود خودم نشریه ای دربیابورم که خیلی هم مقید پریرود زمانی نباشد، میتواند گاهنامه باشد، هرگاه مقاله ای داشتم و حرفی برای گفتن بتوانم منتشرش کنم، این شد که سراغ کازیه رفتم.

مسئله دیگری که تحریکم کرد این نشریه را منتشر کنم، یک خصومت فردی قدیمی و "کورکورانه" بود با فرهنگ دوران فئودالی در جامعه که امروز پرچم ناسیونالیسم کرد است، این خصومت برمیکرد

ایده چنین نشریه ای را سالها بود داشتم. یادم هست سه، چهارسال پیش با یکی از رفقا توافقاتی هم برای انتشارش کردیم. بعدها به دلایل مختلفی به تعویق افتاد. بعدش هم که رفتم سراغ انتشار نشریه پاسخ. بعدها دوباره جای چنین نشریه ای را خیلی خالی دیدم، نشریه اکتبر که به نوعی ارگان کمیته کردستان است اساساً مشغول مسایل سیاسی روز است، بعلاوه محدودیت صفحاتش امکان انتشار مقالات کارشده تر و مفصل تر را از آن میکرد. نتیجتاً مسایل سیاسی اجتماعی و فرهنگی متعددی در جامعه کردستان هست که باید به دور از نیاز صرف روزانه در موردشان به تفصیل نوشت و این البته طرفی میخواست، سالها پیش تر در آوردن چنین نشریه ای در دستور خود کمیته کردستان هم قرار گرفت و



## محمد فتاحی

اکتبر: محمد فتاحی؛ تاکنون " ۲ شماره از نشریه کازیه " به سردبیری شما منتشر شده است. که حاوی مطالب متنوعی میباشد. ایده و ابتکار اولیه انتشار چنین نشریه ای از کجا شکل گرفت؟ کلا هدف از انتشار آن چه میباشد و میخواهید از اینطریق به چه مسایلی در جامعه جواب داده شود؟

## اکتبر میسرده ...

عقل و شعور و درک اطرافیان آن دوران ملا و مالک آبادی، همان سنتی که آن دوران در خود ده در حال احتضار بود حالا شده طریقتی برای آنها که دنیای جاهلانه ایدئولوژیک شان گامها از آن فرهنگ کهنه آن روزهای ده عقب ترشان برده است. حالا که به باور احزاب مدافع ناموس و غیرت و آداب و رسوم آبا و اجدادی فکر میکنم هزار رحمت می فرستم به اکثر آن مردمان ده مان، برای شمای مصاحبه کننده که این سوال را طرح کردید تا پاسخ تماما سیاسی بگیرید متاسفم هیچ راهی برای فرار از این حقیقت نبود که من برای شما فاش کنم که بخشی از اهداف این نشریه که من فعلا منتشر میکنم خیلی سیاسی

نیست، افشای دکان آن دسته از روشنفکران "شهری" است که بر متن ستمدیدگی مردم در کردستان فرهنگ فیودالی آن زمان موجود در ده را رفته اند از آشغالانی روستای سابق ما درآورده اند و در اوج افتخار به اسم فرهنگ "ملت کرد" پایه ایمان و عقاید گرانبهای خود کرده اند. این به جهنم که ایمان خودشان است، میخواهند به دین دیگرانش هم تبدیل کنند! در زندگی روستایی که من در دوران سیستم فیودالی سال ۱۳۳۵ درش متولد شدم، این فرهنگ در همان دوره هم مزاحم زندگی مردم بود و من خاطرات تلخ و زنده ای از آن دارم، نتیجتا حالا به عنوان یک سیاسی کاری که روزی در ده زندگی کرده است تعصب دفاع از زندگی آزاد مردمان آن دوران ده هم موظف میکنم تا علیه این فرهنگی که به آنها تحمیل شده بود اگر

بتوانم کاری کنم. نشریه کازیهو میخواهد کمک کند که این فرهنگ خیلی "کردی" و به اندازه کافی فیودالی از جامعه چارو شود. اسلام سیاسی در کردستان بی پایه است و همزمان که جمهوری اسلامی میروید ناسیونالیسم کرد میخواهد به عنوان یک دین دیگر با همان درجه از عقب افتادگی و جهالت جایگزین اسلام شود. نشریه کازیهو علاقمند است همراه اسلام سنن و فرهنگ و اخلاقیات و آداب و رسوم "خیلی کردی" و فیودالی، ناسیونالیسم کرد، هم روانه زباله دان محلات شهر و روستاهای کردستان شود. در کنار اینها کازیهو میخواهد راه درست حل مسئله ملی را نشان دهد و در کنار آن کمک کند درک عمومی این شود که معطل اصلی مردم در سنندج و سقز و مهاباد، همان است که در

به روز حرکت اعتراضی تبدیل کرد. چند و چون و چگونگی و شکل و شیوه ابتکارات اعتراضی را بنا به شرایط هر شهر فعالین و رهبران در محل میتوانند تعیین کنند. نکته اینجا است در تفاوت جنب و جوش اعتراضی تاکتونی، در بطن فضای اعتراض عمومی علیه جمهوری اسلامی در ادامه ۱۶ آذر، ۸ مارس و اول ماه مه رادیکال و چپ، سازمان دادن تحریک اعتراضی در مناسبت انتخابات و در روز انتخابات علیه جمهوری اسلامی ممکن است. تناسب قوا به نفع مبارزه جویی ما مردم چرخیده است. این واقعیت را دریابیم و گام بلندی جمهوری

جمع مرتجعین در این باره میتوان حضور داشت و آنها و رژیمشان را زیر سؤال برد. همان کاری را کرد که قبلا دانشجویان آزادیخواه با معین و کروی کردند. اعتراض و مبارزه جمعی را علیه ستادهای انتخاباتی و پروپاگاندا ارتجاعی آنها سازمان داد. کاری کرد ستادهایشان برچیده شود. کمپین دروغ و خرافه و وعده و وعید آنها را افشا کرد. در مقابل حقیقت را بیان کرد. حرف دل مردم را زد. خواست و مطالبه بر حق مردم را مطرح کرد. در دل این کشمکش آلترناتیو آزادیخواهانه را به میان مردم برد و بالاخره روز انتخابات را

توطئه کنند. ما این را تضمین خواهیم کرد. اکتبر: به طور مشخص و عملی جنبش آزادیخواهانه و پیشرو و فعالین و دوستداران حزب حکمتیست در تقابل با انتخابات و این تحریکات عقب مانده میتوانند چه کار کنند؟

توطئه کنند. ما این را تضمین خواهیم کرد. اکتبر: به طور مشخص و عملی جنبش آزادیخواهانه و پیشرو و فعالین و دوستداران حزب حکمتیست در تقابل با انتخابات و این تحریکات عقب مانده میتوانند چه کار کنند؟

رحمان حسین زاده: مناسبت انتخابات و روز انتخابات را به صحنه اعتراض تبدیل کنیم. در هر مناسبت و

روز "انتخابات" روز اعتراضات ....

## اطلاعیه شماره ۴۰ کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران\_ حکمتیست سه نفر از دستگیر شدگان اول مه سقز به دادگاه احضار شدند!

در ۱۸ خرداد و جلال حسینی در ۱۹ خرداد دادگاهی شوند. جرایم این سه نفر که برای چندمین بار احضار و دادگاهی شده اند، شرکت در اول مه ۱۳۸۳ سقز و ارتباط با احزاب چپ و مخالف جمهوری اسلامی اعلام شده است. قبلا قرار بود در روزهای ۱۰ و ۱۱

طبق خبر رسیده برهان دیوارگر، جلال حسینی و محمد عبیدی پور از دستگیرشدگان اول مه سقز در سال ۱۳۸۳ به دادگاه احضار شده اند. طبق اطلاعی که به دست ما رسیده است قرار است برهان دیوارگر و محمد عبیدی پور

کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
دبیر: حسین مرادیگی (جهه سور)  
h\_moradbiegi@yahoo.com  
Tel: 00447960233959

اکتبر  
چهارشنبه ها منتشر میشود، اکتبر را تکثیر کنید و آنرا بدست دوستان و آشنایان خود برسانید!

اکتبر  
سردبیر: عبدالله شریفی  
sharifi\_abdollah@yahoo.com Tel:00467369752 26  
دستیار سردبیر: اسماعیل ویسی  
esmail.waisi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری-حکمتیست بپیوندید!

## کارگران و انقلاب .....

در کشورهای تحت سلطه بوده است. امروز وقتی به این کشورهای انقلاب کرده نگاه میکنیم دیگر حتی نشانی از همان تحولات محدود ناشی از انقلاب هم باقی نمانده است و منطق نظام سرمایه داری بار دیگر این واقعیت را آشکار کرده است که مادام که اساس سرمایه و سرمایه داری پابرجاست نصیب توده کارگر و زحمتکش جز فقر و بی حقوقی سیاسی و اجتماعی نخواهد بود. خاصیت مشترک همه این انقلابات دروغین و نیم بند این است که تماماً تحت تأثیر اهداف و مقاصد بخش هائی از خود طبقات حاکمه قرار داشته اند و رهبری سیاسی و عملی آنها بدست همین اقتدار بوده است. کارگران همواره بعنوان نیروی ذخیره و کمکی به میدان کشیده شده اند، جنگیده اند و فداکاری های بی نظیر از خود نشان داده اند. اما حاصل کار جز دست بدست شدن قدرت در درون خود طبقه سرمایه دار و جز پیدایش شکل های جدیدی برای اداره نظام استثمارگر موجود نبوده است. در بسیاری موارد اولین کسانی که مورد تعرض بخش های تازه بقدرت رسیده طبقه حاکمه قرار گرفته اند خود کارگران بوده اند و انقلاب خود به دستاویز جدیدی برای سرکوب جنبش کارگری تبدیل شده است. بنابراین وقتی کارگر از انقلاب صحبت میکند باید دقیقاً بداند که چه چیز میخواهد و چه چیز نمیخواهد. ما خواهان انقلاب کارگری علیه کل سیستم سرمایه داری و کل قدرت طبقه سرمایه داری هستیم. ما خواهان انقلاب کمونیستی هستیم که جامعه موجود را از بنیاد دگرگون میکند. انقلاب کارگری چه هدفی را دنبال میکند؟ پاسخ این سوال در همین جامعه سرمایه داری نهفته است. هر کارگری که ده دقیقه به اوضاع خودش فکر کند ایراد

اصلی ای را که باید در دنیا برطرف شود تشخیص میدهد. این جامعه وارونه است. تولید کنندگان ثروت جامعه، کارگران، بی چیزند و بیکارگان ثروتمند. پست ترین و فرومایه ترین عناصر، نجبا و عالیجنابان این جامعه اند و شریف ترین مردم، توده زحمتکشان فرودست و بی حقوق اند. آنها که یک عمر کار کرده اند و ثروت ساخته اند حتی پس از سی سال برای گذران هر روز از زندگی خود باید از نو برای کارشان مشتری پیدا کنند. قدرت خلاقه و مولد کارگر خود را در قدرت اجتماعی و سیاسی روزافزون سرمایه و فرودستی هرچه بیشتر خود کارگر نشان میدهد. برای حفظ این جامعه وارونه دولت ها پیدا شده اند، ارتشها ایجاد شده اند، زندانها و شکنجه گاهها بنا شده اند، خدایان آفریده شده اند و مذاهب ساخته شده اند. مساله از روز روشن تر است. این جامعه مبتنی بر بردگی است. بردگی مزدی. هیچ درجه رشد خدمات اجتماعی و بیمه ها و افزایش درآمد کارگران که تازه همه باید با نبرد و با زور از حلقوم طبقات حاکم بیرون کشیده شوند، در اساس این موقعیت برده وار کارگر تغییری نمیدهد. کودکی که امروز در میان ما متولد میشود مهر استخدام سرمایه شدن را بر پیشانی خود دارد. کل تبعیضات اجتماعی و سیاسی و کل فساد و تباهی اخلاقی جامعه حاضر، از ستمگری بر زنان و تبعیض نژادی تا اعتیاد و فحشا، از رقابت و منفعت طلبی فردی که در خون جامعه جریان دارد تا قحطی و گرسنگی و بیماری که هر روز میلیونها انسان محروم را بکام مرگ میکشد، همه حاصل این وارونگی جامعه اند. جامعه ای که صاحبان برحق و آفرینندگان واقعی آن، کارگران، اسیر بردگی مزدی اند. انقلاب کارگری بر سر در هم کوبیدن بنیاد این جامعه طبقاتی است. بنیاد این نظام مالکیت خصوصی اقلیتی کوچک بر وسائل تولید

در جامعه است. مادام که انسانها برای نان خوردن و برای برخوردار شدن از حداقلی از رفاه ناگزیرند برای کس دیگری کار کنند که اختیار و وسائل تولید را در دست گرفته است، مادام که تولید اجتماعی و تامین مایحتاج بشر تنها از طریق سود رسانی به مالکان انگل و وسائل تولید ممکن است، صحتی از آزادی و برابری انسانها و از میان بردن محرومیت ها و تبعیضات نمیتواند در میان باشد. انقلاب کارگری در اساس خود انقلابی علیه مالکیت خصوصی طبقه سرمایه دار بر وسائل تولید اجتماعی است. انقلاب کارگری انقلابی برای برقراری مالکیت و کنترل اشتراکی و دسته جمعی تولید کنندگان بر وسائل کار و تولید است. انقلاب کارگری برای محو طبقات و استثمار طبقاتی است. بورژوازی به زبان خوش دست از قدرت اش بر نمیدارد و بساط استثمارش را جمع نمیکند. پس باید انقلاب کرد، حکومتی کارگری برقرار ساخت که مقاومت استثمارگران را در هم میشکند و راه را برای جامعه ای بدون استثمار و لاجرم بدون نیاز به هیچ نوع حکومت و ستم و خرافه باز میکند. برای کارگر کمونیست انقلاب یعنی خیزش طبقه کارگر برای عملی کردن تمام این تحول عظیم اجتماعی. مبارزه برای آزادی، برابری و حکومت کارگری. اگر کارگر به میدان سیاست میاید باید برای این بیاید. باید بعنوان رهبر رهائی کل جامعه به میدان بیاید. دوران کشیده شدن کارگران بدنبال این و آن بسر رسیده است. جریان کمونیستی در درون طبقه کارگر هدف خود را این قرار داده است که کارگران را به حرکت مستقل مجهز کند و بر این کسب قدرت سیاسی و انجام انقلاب کارگری را سازمان بدهد. اگر چیزی گرایش کمونیستی را از سایر گرایشها در درون جنبش کارگری متمایز میکند

همین تلاش برای جایگیر کردن آرمان انقلاب کارگری در درون طبقه کارگر و سازمان دادن نیروی این انقلاب است. کارگر کمونیست در صف مقدم هر مبارزه برای بهبود شرایط کار و زندگی کارگران است. اما او در این مبارزه هدف عالی تری را نیز دنبال میکند. از نظر ما در دل این مبارزات است که کارگر خود را به عنوان یک طبقه میشناسد، به قدرت خود واقف میشود و با راه رهائی خود، انقلاب کارگری علیه کل نظام اقتصادی و اجتماعی موجود آشنا میشود. سازماندهی انقلاب کارگری امری مربوط به آینده دور نیست. این تلاش هم اکنون در جریان است. هرچا اتحاد کارگران و آگاهی آنها نسبت به اینکه اعضا یک طبقه جهانی اند تقویت میشود، هرچا کمونیسم بعنوان دورنمای انقلاب کارگری در میان کارگران رسوخ میکند و با هر رفیق کارگری که به کمونیسم و به محافل و سلول های کمونیستی کارگران نزدیک میشود، یک گام به انقلاب کمونیستی نزدیک تر شده ایم. سلول ها و محافل کمونیستی کارگری که امروز تشکیل میشوند، فردا کانون های رهبری انقلاب کارگری و پایه های قدرت حکومت کارگران را تشکیل خواهند داد. هیچکس تردید ندارد که حکومت و اقتصاد سرمایه داری در ایران دچار یک بحران عمیق است و جامعه ایران در آستانه تحولات سیاسی تعیین کننده ای قرار گرفته است. دیر یا زود جدال طبقات اجتماعی در ایران اوج تازه ای خواهد گرفت. احزاب و نیروهای بورژوازی، چه در داخل حکومت اسلامی و چه در خارج آن دارند خود را برای زور آزمائی های نهائی آماده میکنند. اینبار ما باید تضمین کنیم که طبقه کارگر بعنوان یک نیروی مستقل، زیر پرچم خود و با آرمان انقلاب کارگری به میدان خواهد آمد. این کار عملی است. جریان کمونیستی در درون طبقه کارگر جریان قدرتمندی است. حزب

کمونیست ایران گوشه ای از یک حزب کمونیستی کارگری به مراتب نیرومندتر است که هم اکنون ریشه های خود را در درون طبقه کارگر و جنبش های اعتراضی کارگران محکم کرده است. شعارهای ما و افق های ما هم اکنون راه خود را در میان توده های وسیع طبقه کارگر باز کرده اند. حکومت اسلامی هم اکنون فشار این حزب وسیع و اعلام نشده کارگری را بشدت بر پیکر خود احساس میکند. به سرنوشت قانون کار اسلامی نگاه کنید، به حال و روز شوراهای اسلامی نگاه کنید. مجامع عمومی کارگران و مطالبات آنان را ببینید، همه گواه یک رادیکالیسم قدرتمند کارگری است که در طول دوره پس از انقلاب ۵۷ در ایران شکل گرفته است. اگر بناسست طبقه کارگر ایران در تحولات آتی بار دیگر قربانی نشود، این حزب عظیم و اعلام نشده باید سر و سامان بگیرد. اجزاء مختلف آن، حزب کمونیست ایران، شبکه های گسترده محافل کارگران کمونیست، جنبش مجامع عمومی و سلول های رهبری اعتراضات کارگری باید در یک حرکت واحد کارگری ادغام شوند. این عاجل ترین کاری است که کمونیسم کارگری در ایران در برابر خود قرار میدهد. برنامه ما برای جامعه، راه حل های ما برای رفع مشقاتی که دامنگیر توده های وسیع زحمتکشان است، شعارها و خواستههای ما همه روشن است. شعار آزادی، برابری، حکومت کارگری، یعنی چکیده انقلاب اجتماعی کارگران، هم اکنون در دل توده های وسیع طبقه ما جای گرفته است. تبدیل همه این مصالح و امکانات به یک حزب قدرتمند اجتماعی که قادر به هدایت کل طبقه کارگر در نبرد های تعیین کننده آتی باشد، این کار ماست. این اولویت اساسی کارگران کمونیست در ایران است.

## اعتصاب کارگران سد گاوشان !

## اطلاعیه کمیته کامیاران حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

برحق کارگران ، آنها را به اتحاد و تشدید مبارزه و اعتراض برای باز گرداندن کارگران اخراجی بسر کار و پرداخت حقوق معوقه بقیه کارگران فرا میخواند. کمیته کامیاران حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۲۰۰۵ هـ ۱۵

پرداخت نشده و هنوز اعتراض و اعتصاب پراکنده وجود دارد. کار فرما و مسئولین سد با استفاده از متحد نبودن کارگران عده ای را اخراج و حقوق بقیه را پرداخت نکرده اند.

کمیته کامیاران ضمن پشتیبانی از خواست

بدنبال این درگیریها فرماندار و مسئول اطلاعات کامیاران و رئیس سازمان آب کرمانشاه در محل حاضر میشوند و قول پرداخت حقوق چهار ماه معوقه را به کارگران میدهند. دیروز حقوق معوقه کارگرانی که در اعتصاب شرکت کرده بودند پرداخت میشود ولی آنها را از کار اخراج میکنند و حقوق بقیه کارگران

کارگران سد گاوشان و سربناو از دوهفته قبل برای وصول چهاره ماه حقوق معوقه خود دست به اعتصاب زدند و در جلودفتر کارگاه سد با نیروی حراست شرکت درگیر شدند که در نتیجه یک نفر از نیروی حراست از ناحیه دست زخمی میشود که بخالت نیروی ویژه از کامیاران و سنجند می انجامد ،

مصاحبه های اکتبر، توسط اسماعیل ویسی تهیه میشود!

## در بزرگداشت منصور حکمت

در طول بیست و چند سال زندگی سیاسی ام این منصور حکمت بود که در تحلیل نهایی، مشعل شبهای تاریک و سخت مبارزه پارتیزانی در کوههای کردستان، امید زندگی روزهای پناهندهگی در ترکیه، قدرت مقابله بهنگام هجوم راست ارتجاع علیه کمونیسم در اروپا بود! وقتی بورژوازی با تمام قدرتش کور شدن افق رهایی انسان را جار می زند!! او مدت و جواب انقلابی و انسانی برای معضلی داشت. در روزهای بیکاری و تنهایی زندگی در اروپا و در روبرو شدن با مشکلات فراوان سیاسی و عاطفی به منصور حکمت مراجعه می کردم. هیچ معضلی در هستی سراغ نداشتیم که با

کمک منصور حکمت و با بهره گیری از متد او بر آن فایق نیایم. این است که مرگش بزرگترین ضایعه در زندگی من است و هیچ چیزی برایم سخت تر از خیر مرگ او نبوده است. انسان در خلوت خود برای حل هر مشکلی به راه حل فکر میکند. منصور حکمت مرجعی بود که من به آن مراجعه میکردم. برخورد او با شکل گیری ارتجاع اسلامی در انقلاب ۵۷ ایران، فرموله کردن دیدگاه و نظریه (متد زنده پراتیکی) کمونیستی در برخورد با بورژوازی در همان زمان، متد او با جنگ ایران و عراق، جدایی از کومه له و تشکیل حزب کمونیست کارگری در اوج هجوم راست جهانی به کمونیسم، با بحران خلیج، با مبارزه مسلحانه و صدها تند پیچ

مهم تاریخی دیگر؛ منصور حکمت را حکمت کرده بود! منصور حکمت انسان ترین انسان، رهبرترین رهبر، کمونیست ترین کمونیست عصر ما بود. منصور حکمت تا هنگام مرگش رهنا و رهبر ما بود و تا مرگ سرمایه داری و پیروزی انسانیت و انقلاب کمونیسم ما به او احتیاج داریم. اکنون یاد او، متد او، درس و راهنمایی که از او یاد گرفته ایم چراغ نوربخش آینده ما است. تا هنگام مرگش به وجود او تکیه میکردم، حالا به متدولوژی او تکیه می کنم. یاد عزیزش همیشه و تا ایستادن قلبم یادآور زندگی و تلاش برای یک زندگی بهتر است.

پرتو برنامه ای از حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

پرتو، تلویزیونی چپ، رادیکال، آزادیخواه و برابری طلب

برنامه های این تلویزیون را ببینید و دیدن آن را به همه دوستداران آزادی و برابری توصیه کنید.

برنامه های پرتو هر روز ساعت ۸ تا ۹ شب به وقت تهران (۵:۳۰ تا ۶:۳۰) بعد از ظهر به وقت اروپای مرکزی و ۸:۳۰ تا ۹:۳۰ صبح به وقت امریکای غربی (از شبکه کانال یک پخش میشود. این برنامه روز بعد مجدداً پخش میشود.

Iran & Europ  
Telstar 12  
Freq: 11494.5 MHz  
Polarity: Vertical  
Sym Rate:  
17,4687ms  
FEC:3/4

North America  
Telstar 5  
Freq: 12,090 MHz  
polarity: Horizontal  
Sym Rate: 20000 ms  
FEC:3/4

برنامه پرتو روی سایت آن نیز قابل مشاهده است:  
<http://www.hekmatist.com/parto/>

## کارگران ساختمان سازی دریاچه زریبارهنوزیک سوم حقوق خود را دریافت نکرده اند.

چند هفته آینده این پروژه تمام شده و حقوق آنها پرداخت نشود. کمیته مریوان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست ضمن حمایت از مطالبات برحق کارگران آنها را به اعتراض و مبارزه دستجمعی فرا میخواند و از مردم شهر مریوان می خواهد از کارگران در این مبارزه دفاع نمایند هیچ بهانه ای از جانب صاحبکار مبنی بر عدم پرداخت حقوق تمام و کمال قابل قبول نیست. و باید به فوریت پرداخت شود. کمیته مریوان حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

بیست و سوم مه ۲۰۰۵ (سوم خرداد ۱۳۸۴)

پرداخت حقوق تمام و کمال قابل قبول نیست. و باید به فوریت پرداخت شود. بیست و سوم مه ۲۰۰۵ (سوم خرداد ۱۳۸۴) کارگران ساختمان سازی دریاچه زریبارهنوزیک سوم حقوق خود را دریافت نکرده اند.

مدت ۳ سال است که درکنار دریاچه زریبار چند سرمایه دار با مشارکت بانک ملت مشغول ساختن چند دستگاه خانه تورستی می باشند. این خانه ها را به خشت چینی و سنگ درست می کنند. کارگرانی که در اینمدت دریاچه زریبارهنوزیک سوم حقوق خود را دریافت نکرده اند. هر بار که کارگران دستمزدهای بتعویق افتاده خود را مطالبه کرده صاحبکار و اخراج کردن کارگران را به وسیله ای برای ساکت کردن آنها استفاده می کنند. کارگران نگران این هستند که در چند هفته آینده این پروژه تمام شده و حقوق آنها پرداخت نشود. کمیته مریوان حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست. ضمن حمایت از مطالبات برحق کارگران آنها را به اعتراض و مبارزه دستجمعی فرا میخواند و از مردم شهر مریوان می خواهد از کارگران در این مبارزه دفاع نمایند هیچ بهانه ای از جانب صاحبکار مبنی بر عدم

## اعتراض وسیع مردم اشنویه به قتل حسین بهرامی!

اطلاعیه کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری حکمتیست

طبق آخرین اخبار تا کنون تعدادی از دستگیرشدگان آزاد و تعدادی هنوز در بازداشت نیروهای رژیم هستند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست ضمن تسلیت به خانواده و بستگان حسین بهرامی، مردم مبارز اشنویه را به تشدید مبارزه و اعتراض علیه جمهوری اسلامی فرا میخواند. تمام دستگیرشدگان فوری و بدون قید و شرط باید آزاد شوند. کمیته کردستان حزب کمونیست کارگری ایران حکمتیست

اسلامی ادامه میدهند. نیروهای انتظامی که در حالت آمده باش بودند به تقابل با مردم میپردازند. مزدوران رژیم با استفاده از گاز اشک آور و تیراندازی هوایی تلاش میکنند مردم را متفرق کنند در نتیجه تقابل مردم با آنان شدت میگردد. چندین مراکز دولتی و انتظامی از جمله فرمانداری، مرکز نیروهای انتظامی، زندان مرکزی، مرکز نیروهای بسیج و تعدادی از بانکها مورد حمله مردم خشمگین قرار میگیرند. در این ماجرا دهها نفر از مردم شهر دستگیر میشوند.

پیوسته بودند دست به شعار دادن علیه جمهوری اسلامی میزنند. مرتب به تعداد مردم افزوده میشود و ماجرا به تظاهرات بزرگی علیه جمهوری اسلامی تبدیل میشود. مردم خشمگین در مسیر حرکت خود به مراکز دولتی و انتظامی رژیم حمله میکنند. نیروهای انتظامی تلاش میکنند مردم را متفرق کنند که هر بار با تعرض بیشتر مردم روبرو میشوند. مردم معترض در مسیر برگشت از قریستان نیز به شعار دادن علیه جمهوری

عصر روز یکشنبه ۲۵ اردیبهشت ماه برابر با ۱۵ مه ۲۰۰۵، جوانی کاروانچی به نام حسین بهرامی مشهور به حسین درویش محمد در نزدیک روستای "آسناوی" از توابع اشنویه در اثر تیراندازی مزدوران جمهوری اسلامی جانش را از دست میدهد. خانواده و بستگان حسین روز دوشنبه جنازه او را تحویل گرفته و در مسیر خود به طرف قریستان در شهر اشنویه در حالی که جوانان و مردم زیادی به آنها

به سازمان جوانان حکمتیست پیوندید!

به جوانان حکمتیست پیوندید!

[www.javanx.com](http://www.javanx.com)

